

# نفوذ و تاثیر زبان فرهنگ فارسی در جهان

دکتر نوابی که در اروپا با ایشان لقب اسلامی داده میشود در اصل ایرانی بوده اند .

پروفیسور سواتی خاورشناس ایتالیایی

دکتر بدیع الله دبیری نژاد  
استادیار دانشگاه اصفهان

وزبان و ادبیات آن بهیچ روی گسیخته نشد .  
در دوره اسلامی ، فرهنگ و ادب و هنر ایران ، رنگ و چهره تازه‌یی بخود گرفت و امکانات بیشتری برای توسعه و گسترش پیدا کرد و در نتیجه در اندک زمانی فرهنگ و هنر ایرانی در سراسر قلمرو اسلامی از اقصای آسیا تا غرب آفریقا و جنوب غربی اروپا گسترش یافت و عبارت دیگر زبان شیرین فارسی و فرهنگ گرانقدر ایران ، برای قرن‌ها سرافرازی و سروری یافت و از کرانه‌های اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر ، و از دهلی تا قسطنطنیه و از فرغانه تا بغداد و بالاخره از سنگاپور تا اسپانیا ، زبان اهل ادب و دانش گردید . بغداد مرکز خلافت اسلامی رسماً بصورت یک مرکز نفوذ فرهنگ و مدنیت ایرانی درآمد . حکما و فقها و عرفای ایرانی در همه جای این امپراتوری وسیع ارزش و تشخیص خاصی بدست آوردند .

ابن بطوطه ، سیاح عرب که در سده‌ی هشتم هجری از مراکش تا کانتون و پکن سفر کرده در سفرنامه‌ی ارزنده خود از ایرانیانی یاد میکند که در لبنان ، مصر ، عراق ، سوریه ، هند ، سیلان ، سوماترا و چین و نقاط دیگر همه جا ، صاحب منصب و مقامات اداری و روحانی و قضایی و حتی علمی و فرهنگی بوده اند .

زبان ایرانی که از اوایل هزاره‌ی دوم پیش از میلاد مسیح به بعد وسیله‌ی اقوام آریائی و سکائی ، بفلات پهناور ایران آورده شد و از آن پس ، زبان همگانی سکنه‌ی این فلات گردید ، بعدها بعنوان زبان ادبی و سیاسی از کناره‌ی بازاری بسفور

در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد نژاد آریا از برای یافتن سرزمینهای آباد و آزاد و درخور کشت و کار از جایگاه اصلی خود که شاید دشتهای گسترده آسیای مرکزی باشد پراکنده شدند . گروههایی راه سرزمینهای آباد سند و پنجاب را در پیش گرفتند و گروههایی دیگر سرزمینی آمدند که به نام آنها ایران خوانده شد .

گروههایی که در این مرز و بوم جای گرفتند با بهره‌وری از تمدن و روش زندگی بومیان پیش از آنها و در سایه‌ی کار و کوشش و هوشیاری و آزادی خود تمدنی بسیار شگرف بجهان آوردند که هنوز هم پایدار مانده است . هوش و دریافت آنان باندازه‌ی بود که پس از چندی در میان آنها یکی از بزرگترین آموزگاران بشر ، زرتشت پورسپیتیمان برای گسترش نیکی و راستی کمر همت بر بست و تنها راه پیشرفت و رستگاری را در نهاد نیک و گفتار و کردار نیک نمانست . او در آن زمان‌های بیرون از مرز تاریخ ، پرستش خداوندگار یگانه را به مردم آموخت . ایرانیان با پیروی از آموزشهای او توانستند بیش از دوازده قرن پیشرفته‌ترین و بزرگترین فرمانروایی روی زمین را پدید آورند ، که بازتاب تمدن و ارزشهای انسانی آن از آنسوی دره‌های آباد سند و دشتهای گسترده‌ی آسیای مرکزی گرفته تا شهرهای آتن و اسپارت را زیر تاثیر آورد که گرچه چندین بار دچار گزند و آسیب هجومهای ددمنشانه‌ی تیره‌های ویرانگر و دور از فرهنگ شد ، اما هیچگاه از اینکه تمدنی ایرانی باشد باز نایستاد و پیوند تمدن

و دارانل و سواحل غربی دریای سیاه تا قیانوس هند در آسیای جنوبی و تاحدود چین و آسیای مرکزی گسترش یافت چنانکه خوشبختانه هنوز هم لهجات زبان ایرانی در آن اراضی پهناور باقی است .

بقول سر راجر استیونسن ، سفیر کبیر انگلستان در ایران که کتابی بنام « فرهنگ تمدن چند هزارساله‌ی ایران » نوشته ، میگوید « فرهنگ ایران دارای جاذبه و کشش خاصی است که محقق خارجی را بی اختیار بخود جذب میکند ، سبب آنست که فرهنگ کهن ایران از آغاز جنبه‌های جهانی و بشری داشته و افکار و معتقدات مذهبی و هنر و ادب و فلسفه و علم آن همواره برای بیگانگان زبان آشنا بوده است و شاید فرق اساسی این تمدن با تمدنهای قدیم محری ، کلدانی ، آشوری ، بابلی ، هندوچینی در همین نکته باشد . درطول قرون متعددی ، مهمترین و اساسی‌ترین نقش ایران در مدنیت جهان این بوده که با استفاده از موقعیت جغرافیایی و روحیه‌ی نژادی و ملی خویش ، تمدنها و فرهنگها و هنرها و معتقدات مختلف شرق و غرب را با یکدیگر آمیزش داده و از امتزاج و ترکیب آن اجزای متفاوت ، محصولی را که برای همه‌ی آنها قابل درک و فهم باشد در سایه‌ی درایت و نبوغ و هوش ایرانیت خود بوجود آورد و همین خصوصیاتست که محقق و پژوهشگر غربی را بمطالعه در فرهنگ و ادب کهنسال و زبان اصیل ایرانی بخود جلب مینماید و کشش خاصی را برایش پدید میآورد .

باینکه اسلام در جهان با سرعت تمام در حال پیشرفت بود و اعراب همچنان به تصرف و تسلط خود ادامه میدادند ایرانیان مسلمان در صدد برآمدند که سیاست عالم اسلامی را در دست گیرند . عربها چون مالک ممالک وسیعی شدند برای اداری امور کشور ناگزیر از طلب مساعدت و معاضدت ایرانیان بودند . در صدر اسلام در موقعی که خلیفه ثانی در اندیشه بود چگونه مالیه‌ی مسلمین را ثبت نماید مرزبان نام ایرانی دیوان مالی را تأسیس کرده و تازمان حجاج بن یوسف یعنی تانزدیک قرن هشتم هجری همه‌ی دفاتر دیوان محاسبات کوفه بزبان فارسی بود . میدانیم کلیه‌ی اصطلاحات مهم دیوانی از قبیل دیوان دفتر فرد ، سیاق قلم و غیره که تا با امروز هم معمولست فارسی میباشند و بعدها صالح نام یکی از اسرای سیستان ظاهراً آنرا از فارسی عبری منتقل کرده با وجود تعصبات نژادی خلفای بنی‌امیه و باینکه عبدالملک اموی نهایت کوشش نمود تا ایرانیان را از کارهای دولتی اخراج نماید پیشرفت ایرانیان در امور و اقدامات آنان برای تشکیل حکومتی که خود در آن مهم‌ترین عامل باشند روز بروز محسوس‌تر میشد . برای همین منظور بود که ایرانیان داخل در سپاه مختار شده تحت لوای او بجان و دل می‌جنگیدند . عربها بقدری با ایرانیان محتاج بودند که سلیمان خلیفه‌ی اموی درین خصوص چنین گفته «عجا ایرانیان

هزار سال حکمفرمائی کردند و ساعتی بما احتیاج پیدا ننمودند و ما صد سال خلافت کردیم و یکساعت بی مساعدت آنها نتوانستیم زندگانی کنیم» .

علت دخالت فرمانروایان ایرانی در اداری کارها این بود که هنوز حکمرانان تازی که مأمور اداری و لایتهای ایران بودند با اصول اداری و امور دیوانی آشنایی نداشتند .

آنچه مسلم است اینست که بموجب مدارک معدود موجود ، کارهای اداری و امور دفتر و دیوان تانیک قرن پس از استیلای عرب به فارسی انجام میگرفت . قدیمترین سند تاریخی راجع به ترجمه‌ی دفاتر دیوان محاسبات کوفه از فارسی عبری قول بلاذری در کتاب فتوح البلدان است چنانکه گوید «دیوان خراج سواد و دیگر بخش‌های عراق بفارسی بود ، چون حجاج ولایت عراق جست امر کتابت را بهزادان فرخ پسر پیری سپرد صالح بن عبدالرحمن مولای بنو تهمیم که به تازی و فارسی نوشتن میدانست باوی بود - پدر صالح از اسیران سیستان بود - زادان فرخ وی را به خدمت حجاج آورد . . . صالح گفت : «بخدا اگر بخوایم حساب را بتازی خواهیم کرد» . بطور تحقیق تازمانیکه فرخ رئیس دیوان زنده بود ترجمه‌ی دفاتر محاسباتی از فارسی عبری صورت نگرفت زیرا که او با چنین کاری مخالف بوده است ولی پس از کشته شدن زادان فرخ صالح سیستانی شروع به نقل و ترجمه‌ی دفاتر از فارسی عبری کرده است .

مردان شاه فرزند زادان فرخ مبلغ صد هزار دینار بصالح وعده میدهد که از این کار دست بردارد ولی صالح از او پول را نمی‌پذیرد . مردانشاه از صالح میپرسد که در نقل و ترجمه ، دهم و بیستم فارسی را چگونه خواهی نوشت ؟ در جواب میگوید : مینویسم ، دهم و بیستم . خلاصه صالح برای پیشرفت کار قواعد عددنویسی را برهم زده است زیرا که در عمل نه تنها ناچار بنوشتن دهم و بیستم شده بلکه مجبور شد که ده و صد هزار را با حروف بنویسد ، زبان فارسی همچنان به پیشروی خود ادامه میداد و حتی در خراسان تا اواخر خلافت هشام بن عبدالملک (۱۰۵ - ۱۲۵) همان دستگاه اداری ساسانی دوام داشت . جهشیاری مینویسد «تا این زمان بیشتر منشیان خراسان مجوس

۱ - آقای ذبیح بهروز مینویسد : «چون همه‌ی دفاتر محاسباتی دیوان کوفه بفارسی بوده آنها را با خط دیوانی آماردبیره مینوشتند و صالح هم از همان خط که در سراسر کشور مردم با آن آشنائی داشتند استفاده کرده است .

اگرچه از آماردبیره نمونه‌هایی تاکنون بدست نیامده ولی از روی قرائن میتوان گفت حروف آن بوضع طبیعی طولانی بوده است زیرا تاکنون در ایران محاسبتین دیوانی را درازنویس میگویند . رک . دبیره جزودی شماره‌ی ۲ - ایران کوه» .

بودند و حسابها به فارسی نوشته میشد» باینکه زبان عربی در سراسر ایران رفته رفته بعنوان زبان اداری و رسمی بکار میرفت ولی ایرانیان هیچگاه زیر سلطه‌ی زبان عربی نرفتند و جز در دستگاه اداری و عمال خلیفه یا جانشینان ایشان این زبان رواج و نفوذی نداشت.

بسیاری از ایرانیان آزادمنش پس از سال ۶۵۱ میلادی یعنی حمله‌ی عرب باین سرزمین، برای حفظ زبان و فرهنگ کشور خود راه کشورهای دیگر را در پیش گرفتند و موجب انتشار و ترویج زبان و فرهنگ آباء و اجدادی خود در آن کشورها گردیدند و روز بروز بر نفوذ فرهنگ باستانی و زبان ایرانی در فرهنگ آنان افزوده گردید. در سده‌ی هشتم هجری یعنی در همان سالهایی که معماران چیره دست و ماهر ایرانی در بنای کاخ معروف الحمرا در اسپانیا میکوشیدند، رامشگران چینی برای ابن بطوطه جهانگرد مراکشی غزل سعدی را میخواندند.

تا دل به مه‌رت داده‌ام / در بحر فکر افتاده‌ام  
چون در نماز استاده‌ام / گوئی به محراب اندری

در سالهایی که کتیبه‌ی سنگهای مزار را در جاوه و سنگاپور به فارسی مینوشتند سنگی بسال ۸۲۳ که تقریباً سی سال پیش در مالایا کشف گردید این غزل سعدی را بر روی آن نوشته‌اند.

بسیار سالها بسر خاک ما رود  
کاین آب چشمه آید و باد صبارود

بدنبال ترویج و گسترش زبان و فرهنگ ایرانی در نقاط دور افتاده‌ی جهان انجمن‌های خاورشناسی و انستیتوهای مطالعات شرقی در کشورهای اروپائی و هندوستان بوجود آمد و با توجه بفرهنگ این سرزمین انجمنهای مشابه جهت تحقیق و مطالعه فرهنگ ایرانی یکی پس از دیگری در کشورهای مترقی اروپا و آمریکا تأسیس گردید و تقریباً در تمام مؤسسات خاورشناسی جهان رشته‌ی تجسّسات و تنبّعات مربوط بزبان و ادب و تأثیر فرهنگ و زبان سرزمین ما و نفوذ آن در فرهنگ آنان بعمل آمد و شوق و ذوق آنان به یادگیری زبان ایرانی کمال یافت. چنانکه میدانیم **هامر پورگشتال** که بزبانهای فارسی، عربی و ترکی آشنائی داشت و بایران مسافرت کرده، در ترجمه‌ی دیوان حافظ، خسرو و شیرین نظامی، گلشن راز شیخ محمود شبستری و گلچینی از اشعار دویست شاعر ایرانی ذوق سرشاری از خود نشان داد. وی در مقدمه‌ی ترجمه‌ی آلمانی معروف گلشن راز شیخ محمود شبستری که بسال ۱۸۳۸ دروین منتشر شده شرح مسوطی بفارسی نگاشته است و همچنین آثار

معروف ابوعلی سینا، فارابی، بیرونی، محمد زکریای رازی و المجسطی بدستور امپراتوران بزرگ و ادب‌شناس اسپانیا به ایتالیائی و اسپانیائی ترجمه گردید. توجه بادب و زبان قدیم ایرانی از طرف پاپ کلمنتوس در آغاز سده‌ی چهاردهم چندین دارالعلم تدریس زبانهای شرقی منجمله فارسی در ایتالیا، اسپانیا، فرانسه تأسیس شد و نخستین فرهنگ فارسی در سال ۱۳۰۳ در رم تألیف گردید.

آقای پروفیسور بوسانی در «تأثیر اسلام و ایران در فرهنگ ایتالیائی» میگوید همه میدانند اکثر نوابغی که در اروپا بایشان لقب «اسلامی» و حتی «عربی» داده میشود در اصل ایرانی بوده‌اند. از طرف دیگر فرهنگ اسلامی و فرهنگ اروپائی دو عنصر متضاد نیست همانطور که بحقیقت شاعر فارسی‌زبان پاکستانی، محمد اقبال لاهوری در ضمن کتابی بزبان انگلیسی تحت عنوان (سخنرانیها درباره‌ی تجدید فکر دینی در اسلام) که بسال ۱۹۶۵ منتشر شده نوشته است که «فرهنگ اروپائی جز پیشرفت در راهی که فرهنگ اسلامی باز کرده بود چیز دیگری نیست. بنابراین نزدیک شدن عالم اسلامی فعلی بغرب کاری درست است و در آن هیچ بدی نمی‌بینیم». دو دنیای اسلامی و اروپائی و یا ایرانی و ایتالیائی آخر الامر از یک فرهنگ قدیمی واحد پدید آمده و نفوذ یکی بر دیگری را جز تبادل افکار برادرانه چیز دیگری نمیتوان محسوب داشت توراۃ، انجیل، افلاطون، ارسطو، اسکندر و اقلیدس نامهاییست که هم برای فرهنگ ایرانی و اسلامی و هم برای فرهنگ اروپائی و ایتالیائی ارزش دارند. برای نمایاندن تأثیر و نفوذ زبان فارسی در زبانهای اروپائی لازمست برخی از واژه‌های مورد استعمال این زبانها را در اینجا یاد آور شویم.

Carovana	کاروان	Dovana	دیوان
Sommacco	سماق	Zenzero	زنجبیل
Alcool	الکل	Cifro	صفر
Canforo	کافور	Muschio	مشک
Tanburo	تنبور بمعنی طبل	Aranico	نارنج

البته واژه‌های فراوانی در مورد اغذیه، البسه و غیره بکار میبرند که از ذکر آن خودداری میشود. در زبان فرانسه‌ی امروزی تقریباً صد واژه‌ی اصیل فارسی وارد شده است که میتوان واژه‌های بازار، کاروان، کاروان‌سرا، شکال، مینار، دیوان، ببوش (بمعنی پاپوش)، درویش، شاه، بیژاما، نارنج، خاکی و غیره را نام برد.

و همچنین بیش از ۸۰ واژه فارسی بدون در نظر گرفتن تشابهات آن وارد زبان انگلیسی شده که نمونه‌های آن فراوان است.

بطور کلی زبان فارسی توانسته است تقریباً در بیشتر زبانهای زنده جهان تأثیر مستقیم و یا غیرمستقیم بگذارد . در آسیای صغیر چندین قرن ، زبان فارسی ، زبان رسمی بشمار میرفت و طبقات خاص بدان گفتگو میکردند و شعر می‌سرودند و کتاب بفارسی مینوشتند حتی وعظها و خطابه‌ها بزبان فارسی صورت میگرفت . وجود کتب فراوان در مراکز علمی ایران و اروپا و امریکا و کتابخانه‌های ترکیه همه مدارک و اسناد بارز است از نفوذ زبان فارسی در آن قلمرو و پهناور . زبان فارسی نه تنها در ترکیه عثمانی بلکه تمام ممالک جنوب شرقی اروپا کمال وقوت گرفت و همچنین در یوگسلاوی ، بلغارستان ، آلمان و قبرس نفوذ چشمگیری داشت اینجانب با مطالعه و بررسی مشغول جمع‌آوری دقیق واژه‌هایی هستم که در این زبانها وارد شده است .

ملت ایران همیشه با داشتن فضائل پسندیده و خصائل شریفه اخلاقی خود ملتی سر بلند و سرفراز است . در تاریخ کمتر قومی را میتوان یافت که تا این میزان به نگهداری و حفظ موارد گذشتگان علاقمند و دلپسند داشته باشد .

برای اینکه ما بتوانیم با ادله و استدلال قوی ثابت نمائیم که زبان فارسی از دیرباز در اقصا نقاط جهان مورد توجهی دانشمندان و بزرگان و پادشاهان و سلاطین غیر ایرانی بوده است لازمست بوسیلهی دانشمندان ایران دوست و ادب دوست این مرز و بوم بطور کامل و دقیق در مورد تأثیر و نفوذ زبان فارسی در زبانهای بیگانه و جمع‌آوری واژه‌های فارسی آن زبانها بعمل آید تا باشد که عظمت کهن و فرهنگ ایرانی بر جهانیان مدلل و مشخص گردد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتا جامع علوم انسانی

